خبر

احتمال برخورد با واگذاری اراضی پرورش میگو در قشم

• رئیس کل دادگستری استان هرمزگان گفت: در صورت محرزشدن تخلفات احتمالی در صدور مجوزها یا هرگونه تجاوز به حریم آثار تاریخی و طبیعی ثبت‌شده ملی و جهانی، ضمن رسیدگی قضائی و مجازات مرتکبان، با مدیران مربوطه به لحاظ عدم دقت و نظارت، برخورد قانونی خواهد شد.

علی صالحی در گفت‌وگو با میزان اظهار کرد: در راستای احقاق حقوق عامه و به‌منظور حفاظت از اراضی ملی و منابع طبیعی، در صورت محرزشدن تخلفات احتمالی در صدور مجوزها یا هرگونه تجاوز به حریم آثار تاریخی و طبیعی ثبت‌شده ملی و جهانی، ضمن رسیدگی قضائی به موضوع و مجازات مرتکبان، با مدیران مربوطه به لحاظ عدم دقت و نظارت، برخورد قانونی خواهد شد.

او خاطرنشان کرد: تمام اعضای حاضر در نشست تصمیم‌گیری درباره پروژه‌های پرورش میگو در محدوده میراث طبیعی - ملی ژئوپارک جهانی قشم، بر توقف کامل عملیات اجرائی تأسیسات مزبور در قشم تا بررسی کامل کارشناسی، هماهنگی و اقدامات حقوقی تأکید کرده‌اند.

کسری ۳۶۰۰ میلیارد تومانی بودجه خرید گندم و یارانه نان

• مرکز پژوهش‌های مجلس، با اشاره به اینکه منابع بودجه برای خرید تضمینی گندم و یارانه نان مناسب نیست، اعلام کرد در صورت محقق‌نشدن منابع غیرمطمئن لحاظ‌شده، کمبود اعتباری نزدیک به سه‌هزارو ۶۰۰ میلیارد تومان برای نانواخانه‌ها قابل پیش‌بینی است.

به گزارش تسنیم، در تبصره ۱۴ بخش ۲۷ بخش هدفمندسازی یارانه‌ها در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹، اعتباری معادل با ۱۲،۱ هزار میلیارد تومان بابت یارانه نان و خرید تضمینی گندم از محل منابع سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها در نظر گرفته شده است.

این رقم در قانون بودجه سال ۱۳۹۸، معادل ۸۱هزارو۴۵۰ میلیارد ریال بوده است؛ اما در سال ۱۳۹۹ با لحاظ هزینه‌های خرید تضمینی گندم و هزینه‌های جانبی، رقمی معادل ۱۵۷ هزار میلیارد ریال مورد نیاز خواهد بود.

با درنظرگرفتن هزینه‌های مورد نیاز خرید گندم بخش خبازان (نانواخانه‌های یارانه‌ای و آزادپز) با توجه به سرانه مصرف و با مقایسه رقم پیشنهادی در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹، دولت برای تأمین بودجه در این بخش با کمبود اعتباری نزدیک به سه‌هزارو ۶۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۹ مواجه خواهد بود.

ادامه از صفحه ۲

مدیریت بحران در منطقه مرزی ایران و ترکیه

در کشورهای هم‌جوار ایران و ترکیه نیز نیروگاه هسته‌ای متسامور ارمنستان (که در فاصله حدود ۳۰کیلومتری مرز ایران قرار دارد) در زمین‌لرزه ۷ دسامبر ۱۹۸۸ اسپیتاک ارمنستان (با بزرگای ۶،۸ که موجب کشته‌شدن حداقل ۲۰ هزار نفر طبق آمار رسمی شد)، به حالت ایمن-خاموش درآمده و موقتا تعطیل شد.

ولی بر اثر جنگ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ و قطع منابع انرژی ارمنستان، دولت این کشور مجددا در سال ۱۹۹۵ این نیروگاه را به حالت عملیاتی درآورده و هم‌اکنون نیز از آن بهره‌برداری می‌کند. یادآور می‌شود این نیروگاه که با فناوری بسیار قدیمی ساخته شده، عملا از رده خارج شده و یک سانحه زمین‌لرزه را نیز پشت سر گذاشته؛ این در حالی است که هیچ گزارشی از وضعیت آسیب‌های وارده به آن در هنگام و پس از زلزله ۱۹۸۸ در دسترس نیست. با توجه به لرزه‌خیزی بالای این منطقه، از نظر ایمنی شهرهای مرزی ما به‌ویژه در استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، به‌طور ویژه باید به این مسئله توجه کرد. چه‌بسا لازم باشد برای تعطیلی این نیروگاه و بردن آن ابتدا به وضع ایمن-خاموش و سپس توقف کامل فعالیت آن، برای تأمین انرژی جایگزین در منطقه و برای این کشور باید برنامه‌ای کلان، راهبردی و درازمدت با همکاری همه کشورهای منطقه تدارک دید.

*عضو پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله

«شرق» شفافیت سند مالی دولت در جرم‌انگاری عدم انجام بودجه را بررسی می‌کند

بودجه؛ خون دولت، خون ملت

عکس: محمد حسن‌زاده، تسنیم

شرق: در روزهایی که اقتصاد ایران لای منگنه‌ای گرفتار شده که یک سمت آن تحریم‌های آمریکا و غرب است و یک‌سوی دیگر آن مشکلات ساختاری و بحران‌های انباشت‌شده اقتصادی، تصویب دخل و خرج ۹۹ در بهارستان به ایستگاه آخر رسیده است. خیلی از کارشناسان معتقد بودند بودجه سال آینده نه در سطح لایحه و نه در مرحله تصویبات کمیسیون تلفیق نتوانست بودجه‌ای ضدتحریمی و منطبق بر اصلاح ساختاری باشد. یکی از حفره‌های مهم نظام بودجه‌نویسی در ایران شفافیت است و بودجه ۹۹ هم با وجود گام‌های کوتاه و اولیه برای ایجاد شفافیت، در نهایت همان مسیری را ادامه داد که بودجه سنوات پیش. یکی از ابعاد مهم شفافیت بودجه، جرم‌انگاری عدم انجام بودجه است؛ یعنی اگر دولت بودجه را گرفت و خرج موارد دیگری کرد، چه اتفاقی می‌افتد؟ برای مثال مجلس افغانستان در سال ۲۰۱۸، شش وزیر را استیضاح و برکنار کرد. دلیل این اتفاق، نه مسئله‌ای خاص مانند فساد یا اختلاس یا پارتی‌بازی و...، بلکه بی‌توجهی به قانون بودجه، به‌ویژه بودجه عمرانی و ناکارآمدی در رابطه با اجرای بودجه بوده است. در ایران نیز دیوان محاسبات هر ساله گزارش تفریغ بودجه را که حاصل عملکرد دولت در بودجه است، منتشر می‌کند. این گزارش سرشار از انبوه تخلفات دولت است اما آیا این گزارش منجر به برخورد با تخلف یا بازگشت منابع ازدست‌رفته به خزانه است؟ دولت طبق قوانین مختلف مانند قانون مالیات‌های مستقیم، قانون مالیات بر ارزش‌افزوده، قانون نفت و... و به اعتبار حق حاکمیت مبتنی‌بر قانون اساسی حق استفاده از منابع متعلق به مردم را دارد. از طرف دیگر، طبق قانون اساسی و مجموعه‌ای از قوانین کشور باید وظایفی را برای مردم انجام دهد. درواقع بودجه سند منعکس‌کننده آثار مالی این‌گونه قوانین است. درباره این سند همواره سؤالات مهمی مطرح بوده است: آیا دولت پول مردم را درست و درجای مناسب خرج می‌کند؟ آیا دولت در تأمین درآمدهای خود عدالت را رعایت می‌کند؟ دولت نظام اداری را مدیریت می‌کند یا برعکس نظام اداری اداره‌کننده دولت است؟ محمدحسین ملک‌نژاد، عضو اندیشکده شفافیت، از بودجه به عنوان خون دولت و ملت یاد می‌کند که جریان و سریان آن برای اقتصاد ایران به‌قدری مهم است که شفافیت را به‌عنوان نبض تپنده آن نمی‌توان از کار انداخت، اما اکنون شفافیت در نظام بودجه‌نویسی ایران به یک شوخی تبدیل شده است.

مروری بر تجربه دنیا در شفافیت بودجه

به گزارش «شرق»، طبق گزارش‌های تحقیقی که اندیشکده شفافیت انجام داده است، در اغلب کشورها در قانون اساسی یک یا چند اصل به موضوعات مربوط به بودجه و بودجه‌ریزی اختصاص یافته است. کمیسیون‌های پارلمانی احزاب و گروه‌های رقیب و مطبوعات و کارشناسان مستقل همواره دولت‌های حاکم را در معرض چنین پرسش‌هایی قرار می‌دهند و دولت‌های حاکم و وزرای دولت را وادار به پاسخ‌گویی و گاهی اوقات حتی وادار به کناره‌گیری می‌کنند. برای مثال مجلس افغانستان در سال ۲۰۱۸، شش وزیر را استیضاح و برکنار کرد. دلیل این اتفاق، نه مسئله‌ای خاص مانند فساد یا اختلاس یا پارتی‌بازی و...، بلکه بی‌توجهی به قانون بودجه به‌ویژه بودجه عمرانی و ناکارآمدی در رابطه با اجرای بودجه بوده است. در سال ۲۰۱۸ هم مجلس سنای برزیل، رئیس‌جمهور را به‌دلیل بی‌توجهی به قانون بودجه استیضاح و برکنار کرد. ادعا شده بود که رئیس‌جمهور برای جبران کسری بودجه (و نه حتی نفع شخصی) اقدام به تأمین مالی غیرقانونی کرده است.

همچنین در همان سال، چندین کشور عضو اتحادیه اروپا به‌دلیل تخطی از قواعد بودجه‌ای مرتبط با ایجاد بدهی و کسری در معرض جرائم سنگین قرار گرفتند. این نمونه‌ها که مشتی نمونه خروار است، نشان می‌دهد در دنیا بودجه موضوع شوخی‌برداری نیست؛ نه صرفا به‌علت اینکه قانون است، بلکه به دلیل اهمیت و تأثیر آن در اقتصاد، اجتماع، فرهنگ، سیاست و تمام امور کشورها. به همین دلیل است که هم در فرایند تهیه و تصویب بودجه در دولت‌ها و مجالس دنیا تلاش می‌شود حداکثر واقع‌بینی در پیش‌بینی منابع و مصارف رعایت شود و اصطلاحا بودجه موهومی تهیه و تصویب نشود و هم در مرحله اجرا، تخطی از قانون بودجه به‌عنوان تابو شناخته شده و با خاطیان مختلف به‌شدت برخورد می‌شود. اما اوضاع در ایران چگونه است؟

انحراف از قانون بدون پاسخ

بعد از اجرای بودجه و ختم سال مالی، نمایندگان می‌توانند نحوه عمل دولت در زمینه اجازه‌هایی که در بودجه به دولت داده‌اند، ازطریق رسیدگی به گزارش تفریغ بودجه ارزیابی کنند. گزارش تفریغ بودجه در واقع مفاصا حساب دولت است و رسیدگی به آن مستقیم‌ترین روش اعمال نظارت مجلس بر بودجه است. به موجب اصل ۵۵ قانون اساسی گزارش تفریغ بودجه ازسوی دیوان محاسبات که زیر نظر مجلس شورای اسلامی است، تهیه می‌شود و در دسترس عموم قرار می‌گیرد. انتشار گزارش عملکرد بودجه دولت عملا دو سال بعد از سال مورد محاسبه منتشر می‌شود و هر سال با انبوهی تخلف دولت‌ها در عملکردشان مواجهیم. به گفته یکی از نمایندگان مجلس طبق گزارش دیوان محاسبات دولت در اجرای بودجه سال ۹۷، ۶۷ درصد انحراف داشته است. این گزارش در مجلس اعلام وصول شده ولی هنوز به انتشار درنیامده است. در عملکرد بودجه ۹۶ میزان انحراف دولت از قانون، طبق گزارش دیوان محاسبات، حدود ۶۲ درصد بود. احکام قانونی در ۴۶ درصد موارد به‌طورکامل یا بخشی از آن رعایت نشده و همچنین ۱۶ درصد احکام بدون عملکرد بود. اگر به سال ۹۵ بازگردیم، وضعیت عملکرد بودجه‌ای طوری بود که محمدباقر نوبخت، خود گفت: «گزارش تفریغ بودجه ۹۵ حیثیت دولت را برد. «در این سال انحراف از بودجه حدود ۸۰ درصد بوده و تنها ۲۰ درصد از احکام بودجه در جای خود استفاده شده بود».

مجلس هم نتوانست کمکی کند

محمدحسین ملک‌نژاد، عضو اندیشکده شفافیت می‌گوید: سند تفریغ بودجه، یکی از شاخص‌های مهم شفافیت بودجه است؛ دیوان محاسبات به عنوان نهاد ناظر، فرایند کار دولت را بررسی می‌کند و گزارش‌های دیوان نشان می‌دهد در بسیاری از تبصره‌های تفریغ بودجه، دولت از مواد ذکرشده در قانون بودجه تخلف کرده است، حتی اگر به‌صورت تصادفی نیز بخش مربوط به تفریغ بودجه سایت دیوان محاسبات را بررسی کنید، متوجه این امر می‌شوید. در واقع گزارش‌های تفریغ بودجه نشان می‌دهد که بودجه در ایران چندان سند مهمی ندارد، زیرا نه فرایند تدوین این سند چندان بررسی می‌شود و نه در عمل چندان مبنای کار قرار می‌گیرد. خود مجلس نیز در فرایند تصویب بودجه محل اتهام است، زیرا تاکنون هیچ‌کدام از مؤلفه‌های شفافیت را رعایت نکرده است. او ادامه داد: گزارش کمیسیون تلفیق مجلس و اینکه چه مذاکراتی در رابطه با لایحه صورت می‌گیرد هیچ‌گاه شفاف نبوده است، درحالی‌که آرای نمایندگان در صحن و کمیسیون، به‌ویژه در مورد بودجه، بسیار مهم است. با توجه به اینکه پول کشور براساس بودجه خرج می‌شود باید رویه‌های تدوین تا تصویب آن مشخص شود، با این حال متأسفانه مجلس چندان مجلس تحول‌گرایی نبوده است که حالا بعد از تصویب سه بودجه بخواهد فرایند بودجه ۹۹ را شفاف کند. گزارش عملکرد بودجه در قالب گزارش تفریغ دو سال بعد از تقدیم بودجه از طرف دیوان محاسبات ارائه می‌شود و جالب است شما حتی اگر به‌صورت رندوم هم به این گزارش‌ها نگاه کنید، انبوهی از تخلفات دولت در انجام بودجه را می‌بینید. این تخلفات شناسایی و دو سال بعد منتشر می‌شود، اما هیچ برخوردی با آن نمی‌شود. آیا برای این تخلفات برخوردی صورت گرفته است؟ آیا پول‌های هدرشده به خزانه بازمی‌گردد؟ باید در این زمینه با اصلاح و بازنگری قوانین مسئله جرم‌انگاری عدم انجام بودجه شفاف شود.

یک تحلیلگر بازار ارز در گفت‌وگو با «شرق» از مانع‌تراشی بانک مرکزی در بازار پولی انتقاد کرد

خودتحریمی در بازار ارز

شرق: اثر بازگشت ایران به لیست سیاه FATF بر بازار ارز، از همان زمان که این خبر رسانه‌ای شد، شوکی به بازار وارد کرد که درباره مانایی آن، اتفاق نظر وجود ندارد. برخی کارشناسان بر این عقیده‌اند که دلار دوباره جهشی تازه به خود می‌بیند؛ اما میثم رادپور، تحلیلگر بازار ارز، بر این باور است که حباب دلار پیش‌تر تخلیه شده و چنین جهشی را شاهد نخواهیم بود، بااین‌حال قطعا دوره ثبات بعد از جهش ارزی سال ۹۷، کوتاه‌تر خواهد شد. این تحلیلگر همچنین بر سیاست‌های بانک مرکزی به واسطه اجرای قوانین مبارزه با پول‌شویی خرده می‌گیرد و معتقد است در کنار فشارهای تحریم، این اقدام محدودیت‌های بیشتری را به بازار وارد می‌کند و در نهایت این اقدامات بانک مرکزی که از جنس مانع‌تراشیدن در بازار پولی است، بازار ارز را تحریک می‌کند.

با توجه به آنکه به نظر می‌رسد بازار ارز ملتهب از ورود ایران به لیست سیاه FATF است، اثرگذاری FATF را بر مانایی این وضعیت ملتهب چگونه ارزیابی می‌کنید؟

داستان FATF به‌عقیده من مسئله‌ساز است. اینکه ایران موافقت نکرده برنامه عملیاتی FATF را تکمیل کند، به نظرم کمی مسئله‌دار است. یک عده می‌گویند هیچ تأثیری نمی‌گذارد و من می‌گویم کاملا تأثیرگذار خواهد بود. اکنون بازار ارز به این خبر که البته خبر خوبی نبود، واکنش نشان داد. در عمل آنچه شاهدش هستیم، عموما ادعا می‌شود تحریم‌های آمریکا از پیش هم دایر بوده و موجب شده بانک‌ها محافظه‌کاری به خرج دهند، به‌همین‌دلیل ورود ایران به لیست سیاه FATF بیش از این نمی‌تواند حلقه نقل و انتقالات بانکی را برای ما تنگ‌تر کند، چون بخشی زیادی از نگرانی‌ها به‌خاطر تحریم آمریکا بوده و بانک‌ها به سبب تحریم‌های آمریکایی هرچه را در توانشان بوده، به کار گرفته‌اند تا با طرف‌های ایرانی کار نکنند. تا حد زیادی هم این اتفاق افتاده است. بعد از اعمال تحریم‌های آمریکا و اینکه بانک‌ها تصمیم گرفتند محافظه‌کارانه با هرکس که به‌نحوی با ایران و تجار ایرانی سروکار دارد، رفتار کنند، شاهد بودیم خیلی از مسائل جدید بر سر راه نقل و انتقالات ارزی ایجاد شد و تجار ما هم تصمیم گرفتند مسیر خودشان را بروند و به لطایف‌الحیل شاهد هستیم که آنها اقدام به دورزدن تحریم‌ها می‌کنند، به‌ویژه در امارات که به‌عنوان هاب اساسی نقل و انتقالات دریایی کشور به شمار می‌رود.

آیا بانک‌ها می‌توانند بیش از این حلقه تحریم‌ها را برای ما تنگ‌تر کنند؟

غیرممکن نیست، اما سخت است. اکنون کار به جایی رسیده که شناسایی اینکه یک شرکت با ماهیت ایرانی است یا غیرایرانی، سخت شده است. به این معنا که اگر یک بانک در سطح جهان بخواهد براساس اصول تحریم آمریکا علیه ایران اقدام کند، باید به مشتریان غیرایرانی خود فشار بیاورد که بتواند به ارتباطات آنها با تجار ایرانی برسد که قطعا کار ساده‌ای نیست و البته آن بانک را با چالش مواجه می‌کند. این اقدام ممکن است سبب شود به مشتریان بانک فشار بیاید و برای سایر مشتریان بانک مسئله ایجاد شود. بالاخره شما وقتی می‌خواهید مو را از ماست بیرون بکشید، گاهی دچار خطا می‌شوید و ممکن است حساب‌هایی که ایرانی نیستند هم در مظان اتهام قرار بگیرند. بالاخره تلاش برای افزایش دقت، باعث افزایش خطا هم می‌شود. وقتی می‌خواهید ۷۰ درصد حساب‌های ایرانی را از غیرایرانی تمیز دهید، خطا کمتر است؛ اما وقتی بخواهید ۹۵ درصد اطمینان ایجاد کنید، درصد خطا هم بالاتر می‌رود. به نظر می‌رسد تحریم به‌لحاظ اجرائی به حد سختش رسیده و اگرچه تنگ‌ترشدن حلقه تحریم‌ها از جانب بانک‌هایی که با طرف ایرانی کار می‌کنند، غیرممکن نیست، اما سخت است.

فکر می‌کنید به سبب بازگشت ایران به لیست سیاه، این سخت‌گیری‌ها بیشتر هم شود؟

برای اینکه بگوییم چه اتفاقی می‌افتد، باید دید عکس‌العمل بانک‌ها چیست. بعید نیست بانک‌ها بخواهند به محافظه‌کاری‌شان اضافه کنند و ریزه‌کاری‌های بیشتری به خرج دهند. بستگی به این دارد که چه تعدادی آنجا کار می‌کنند. مثلا بگویند با شرکت‌های تراستی کار نمی‌کنند، زیرا مشکوک به همکاری با ایران هستند. این برای ما دردسر ایجاد خواهد کرد؛ اما این تصمیم‌ها به‌سادگی از طرف بانک گرفته نمی‌شود، چون اخذ این تصمیم‌ها به معنی ازدست‌رفتن بخشی از درآمدی است که دارند. شما نمی‌توانید به این راحتی مشتریان را قلع‌وقمع کنید. به‌هرحال این کار غیرممکن نیست، اما به اندازه کافی سخت است. باید دید در روزهای آینده بانک‌ها چه واکنشی به این قضیه نشان می‌دهند و حساب‌هایی را که ذی‌نفع ایرانی دارند، شناسایی می‌کنند یا نه که اگر این‌طور شود منجر به افزایش هزینه معاملات و افزایش قیمت دلار در بازار خواهد بود؛ اما اگر این اتفاق نیفتد و بانک‌ها نتوانند بیش از این سختگیری کنند، انتظار داریم لیست سیاه FATF مسئله‌ای را برای نظام ارزی کشور ایجاد نکند. درحال‌حاضر که مشخص شده ایران نمی‌خواهد برنامه عملیاتی FATF را تکمیل کند، بازار بحق نگران شده، اما اینکه بازار چه احتمالی می‌دهد که این وضعیت جدید باعث می‌شود نقل و انتقالات بیش از حد گران شود، تا حالا که چنین واکنشی نشان داده است؛ اما بقیه اتفاقات باید در عرصه عمل دیده شود که به تصمیم‌های بانک‌ها برمی‌گردد.

به این توجه داشته باشید که اکنون بانک مرکزی در جایگاه بازارگردان، دستش برای عرضه دلار به بازار، خالی است و بازار ارز هم تنها وابسته به FATF نیست که بگوییم اگر روابط بانکی را کنترل کنیم، اوضاع به تعادل می‌رسد...

به هر دلیلی ممکن است بازار تحریک شود اما اگر مسئله FATF را فعلا مسکوت بگذاریم، به خاطر اینکه ارز به اندازه کافی خود را اصلاح کرده، فکر نمی‌کنم خیلی روند صعودی به خود ببیند. در تاریخچه ارزی‌مان هم همیشه یک دوره جهش و بعد ثبات نسبی داشته‌ایم. حدود یک سال از جهش ارزی قبلی می‌گذرد و به نظرم با توجه به اینکه دلار بیش از ۳۵۰ درصد نسبت به اواخر سال ۹۶ رشد داشته، هرچند نقدینگی رشد پیدا کرده اما قدرت خرید به‌شدت کاهش پیدا کرده و در حد نصف نقدینگی (حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار میلیارد تومان) قدرت خرید دارد. وقتی قدرت خرید این‌قدر کم شده، تقاضا برای همه کالاها هم کم می‌شود. بالاخره اکنون شرایطمان نسبت به گذشته تغییر کرده است. می‌توانیم به دلایلی انتظار داشته باشیم که این دوره ثبات نسبت به متوسط دوره ثبات در گذشته، کوتاه‌تر شود. برای مثال، کسری بودجه، افزایش نقدینگی مورد انتظار ناشی از آن، کاهش فروش نفت، محیط سرمایه‌گذاری که نسبت به همه دوره‌ها ریسکی‌تر شده است، می‌تواند منجر به این شود که صاحبان کسب‌وکار و سرمایه نسبت به اینکه سرمایه‌شان را در داخل نگه‌دارند، مردد شوند و باعث شوند خروج سرمایه تحریک شود.

این حرف شما به این معناست که باید در انتظار نوسانات جدی در بازار ارز باشیم؟

نشانه‌هایی داریم که به نظر می‌رسد این دوره ثبات بعد از جهش ارزی سال ۹۷ و درآمدهای ناشی از آن، کوتاه‌تر شود. پیش‌تر قیمت دلار ۳۵۰ درصد افزایش را به خود دید و به نظر من نباید انتظار چنین جهشی را داشته باشیم. اما مسئله‌ای که نگرانی ایجاد می‌کند، رفتار بانک مرکزی است. درحالی‌که در خارج از کشور، تبادلات مسئله‌دار داریم و به‌سختی پولمان را جابه‌جا می‌کنیم، بانک مرکزی هم در داخل مسئله ایجاد می‌کند. متوجه هستم که بانک مرکزی در جهت اجرای قانون پول‌شویی خواستار ایجاد شفافیت است اما عملا محدودیت ایجاد می‌کند؛ مثلا محدودیت تراکنش‌های بانکی و سقف تراکنش‌ها از طریق پوز، اینترنتی و حضوری. وقتی چنین وضعیتی هست، مقام ناظر در بازار پولی باید بداند که با چنین محدودیت‌هایی در شرایطی که نفس‌مان در بازار ارز گرفته، اگر بازار داخلی هم این طور رفتار کند، نگرانی به بازار تزریق می‌شود. بانک مرکزی با این کار، نقل‌وانتقالات پولی و ریالی را کنترل می‌کند اما این کار هیچ اثر جانبی‌ای ندارد؟ باعث نمی‌شود صاحبان کسب‌وکار برای نقل‌وانتقالات روزمره‌شان با مشکل مواجه شوند؟ آیا ریسک را از نظر فعالان بازار پول، سپرده‌گذاران و صاحبان کسب‌وکار ایجاد نمی‌کند؟ بانک مرکزی کاری می‌کند که به نظرم ریسک را تقویت می‌کند و به اندازه کافی نگران‌کننده است. اگر می‌خواهیم قوانین ضدپول‌شویی را اجرا کنیم، باید برنامه‌ای داشته باشیم و به‌تدریج آن را اجرائی کنیم. اینکه در کوتاه‌مدت تصور کنیم نظام بانکی را می‌توانیم از هر آلودگی‌ای پاک کنیم، آن‌هم در شرایطی که فشارهای خارجی بر بازار ارزمان جدی شده، عاقلانه نیست؛ درحالی‌که رئیس کل بانک مرکزی ادعا می‌کند با این کار توانسته بازار ارز را کنترل کند. به نظرم این کار باعث شده عموما بازار ارز ملتهب‌تر شود.

برخی فعالان بازار ارز می‌گویند باید منتظر عبور قیمت ارز از ۲۰ هزار تومان باشیم. نظر شما در این زمینه چیست؟

من مخالفم. به نظرم در میان‌مدت در بازار دلار جابه‌جایی عمده‌ای نخواهیم داشت. درهرحال تحرکات بازار در بخش مقام ناظر هم مهم است. باید به آقای همتی گوشزد کرد در بازار پول کشور بی‌رویه مانع ایجاد نکند. بخشی از نگرانی‌ها از این بابت ایجاد شده است. بعد از جهش نرخ ارز، باید رکود را تجربه کنیم، نه افزایش قیمت مجدد را. در واقع حبابی که به بازار ارز فشار آورده بود، تخلیه شده است. چطور انتظار داریم یک تحریک دیگر اتفاق بیفتد؟ به‌عنوان فرضیه می‌توانم مطرح کنم که اقدامات بانک مرکزی از جنس مانع‌تراشیدن در بازار پولی، برخلاف ادعاها، بازار ارز را تحریک کرده است. هرچند هدف برخی از این کارها شفاف‌کردن نظام پولی کشور است اما اقدامات شتاب‌زده بانک مرکزی در حوزه مبارزه با پول‌شویی، باعث ایجاد نگرانی می‌شود که ممکن است بازار سرمایه را تحریک کند. شما اکنون نمی‌توانید دلار بخرید، واقعا فکر می‌کنند جلوی بازار را گرفته‌اند؟ بازار ارز بازار غیرمتشکل است. اکنون بازار در شرایطی است که نه می‌توانید دلار بخرید و نه حواله کنید. این کار خوب است؟ اینکه اجازه نمی‌دهید صرافی‌ها بفروشند، باعث خروج سرمایه نمی‌شود؟ به‌هرترتیب ممکن است دو نفر با هم معامله کنند و بانک مرکزی به‌هیچ‌وجه خبردار نشود. باید حواسمان به اقدامات بانک مرکزی باشد. اینکه می‌گویند سفته‌بازی زیاد شده معلول اتفاقات کشور است نه علتش. اگر با این کارها بخواهید جلوی سفته‌بازی را بگیرید، از جای دیگری بیرون می‌زند. بانک مرکزی مبادلات صرافی‌ها در حوزه نقدی و حواله را مسئله‌دار کرده است. با این مسئله سفته‌بازی حل شده؟ این بازار که متمرکز نیست، از کجا معلوم است که جلوی سفته‌بازی را گرفته‌اید؟

یادداشت

رشد صادرات و توسعه سرمایه‌گذاری؛

دو بال خروج از رکود معدن و صنایع معدنی

خداداد غریب‌پور
رئیس هیئت عامل ایمیدرو

• سازمان ایمیدرو در راستای استراتژی کلان «توسعه» و «توانمندسازی» بخش معدن و صنایع معدنی، طی یک‌سال‌ونیم گذشته اقدام به پیاده‌سازی روش‌های متنوعی برای رونق تولید و رفع رکود در این حوزه کرده است. ایمیدرو «رشد صادرات» و «توسعه سرمایه‌گذاری» را به‌عنوان دو بال خروج از رکود، اجرائی کرده است. این سازمان مجموعه اقداماتی را برای رونق حوزه معدن انجام داده است. پیرو سیاست‌های کلان وزارت صنعت، معدن و تجارت، بنگاه‌های معدنی و صنایع معدنی را راهبری کرده است که بخش نخست شامل شرکت‌هایی هستند که محصول تولیدی آنها در بازار داخلی به فروش می‌رسد و قابلیت پایینی برای صادرات دارند و بخش دیگر شامل شرکت‌هایی است که هم‌زمان با فروش داخل، از توانایی بالایی برای صادرات برخوردارند.

کاهش شاخص‌های کلان اقتصادی کشور و کاهش تولید ناخالص داخلی، به معنی افت فعالیت‌های ساختمانی، عمرانی و کاهش سرمایه‌گذاری‌ها در فعالیت‌های تولیدی است، ازاین‌رو بنگاه‌هایی که توان صادراتی اندکی دارند متناسب با افت تولید ناخالص داخلی، شاهد کاهش فعالیت‌های خود می‌شوند، اما در سوی دیگر شرکت‌هایی که از قدرت صادراتی بالایی برخوردارند توانسته‌اند افت تقاضا در داخل را با توسعه صادرات جبران کنند و به‌این‌وسیله کاهش تولید را با صادرات جبران کرده‌اند.

صنایع فلزات آهنی و برخی از فلزات غیرآهنی از جمله فولاد، مس، آلومینیوم و روی شامل گروه دوم هستند که افزایش صادرات را رقم زده و با رکود مواجه نشده‌اند. در همین حال وضعیت برای این شرکت‌ها به‌گونه‌ای است که محصول تولیدی آنها تا سه ماه آینده پیش‌فروش شده و با رشد تقاضا و قیمت‌ها در بورس کالا، مواجه شده‌اند.

دولت در چنین شرایطی با انگیزه تأمین نیاز داخلی، سعی در کنترل صادرات این نوع بنگاه‌ها می‌کند که به مصرف‌کننده داخلی زیان وارد نشود.

با توجه به تغییر شرایط اقتصاد کشور از رشد منفی تولید ناخالص داخلی به سمت رشد صفر، این تغییر جهت به معنای تثبیت وضعیت موجود است که در سال و سال‌های آتی سبب رشد اقتصادی می‌شود و می‌تواند عاملی برای خروج از رکود تلقی شود و این امر به‌ویژه تسهیل‌کننده شرایط برای گروه اول است.

به‌طورکلی افزایش سرمایه‌گذاری و تحریک صادرات دو اقدامی است که ایمیدرو متناسب با شرایط فعلی، در آنها فعالیت دارد. در این میان هدایت ۱۸ هزار میلیارد تومان از سود انباشته شرکت‌های بورس را صرف توسعه و سرمایه‌گذاری‌های سال‌های آینده می‌کند. همچنین بخشی از این رقم نیز برای تأمین مواد اولیه و مقابله با تحریم مصرف می‌شود. توسعه فعالیت‌های تولیدی و صادراتی شرکت‌های بزرگ، سبب به‌حرکت‌درآمدن چرخ صنایع کوچک نیز می‌شود.

توجه به صادرات با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت و بانک‌ها در حال اجراست و این عامل سبب شده محصولی راکد در انبارها نماند، به‌طوری‌که این نوع شرکت‌ها محصول خود را برای سه ماه آتی به فروش رسانده‌اند. چنین روشی برای سال آینده هم اجرا می‌شود. «رشد صادرات» (که به تحریک بازار می‌انجامد) و «سرمایه‌گذاری» به‌عنوان دو بال، در خروج از رکود و رونق تولید عمل می‌کنند و تاکنون نتیجه‌بخش بوده‌اند.

فعال‌سازی معادن کوچک و تشکیل کنسرسیوم‌های صادراتی، اقدامات دیگری است که علاوه‌بر انتفاع بنگاه‌های بزرگ، برای معادن و بنگاه‌های کوچک نیز سودآوری دارد. بنگاه‌های بزرگ با تأمین بخشی از نیاز خوراک خود از معادن کوچک، ضمن حفظ یا رشد تولید، سبب تحریک فعالیت‌های تولیدی و درآمدی در معادن کوچک می‌شوند.

سیاست مدیریت سود شرکت‌ها توسط ایمیدرو سبب شده است از هشت هزار میلیارد تومان افزایش سرمایه شرکت فولاد مبارکه، چهار هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان صرف افزایش موجودی مواد اولیه استراتژیک این شرکت شود. نکته قابل‌توجه این است که شرکت‌هایی مانند مبارکه به دلیل اینکه با هزاران شرکت همکاری دارند با افزایش تقاضا و رشد تولید، رشد تقاضا در شرکت‌های کوچک را رقم می‌زنند که خود عاملی برای رونق تولید محسوب می‌شود.

گزارش‌ها نشان می‌دهند اکثر واحدها در صنایع فولاد، مس و آلومینیوم با رشد تولید مواجه شده‌اند و به‌طورمثال شرکت آلومینیوم المهدی که پیش از این افت تولید داشته، در حال برگشت به سمت رشد تولید است. علاوه‌براین طرح‌های توسعه‌ای که در سال جاری افتتاح شده‌اند یا آماده راه‌اندازی و افتتاح هستند، عامل دیگری برای افزایش تولید هستند.

تا پایان سال جاری ۳،۵ میلیارد دلار طرح معدنی و صنایع معدنی با مشارکت بخش خصوصی راه‌اندازی می‌شوند که تاکنون حدود ۱،۲ میلیارد دلار افتتاح شده، ۱،۴ میلیارد دلار آماده افتتاح است و یک میلیارد دلار نیز به زودی وارد مدار تولید می‌شود.